

# تفاوت‌های جنسیتی در انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای پسران و دختران ایرانی<sup>[۱]</sup>

نیره توحیدی<sup>[۲]</sup>

دانشگاه ایلینوی در شمین- اوربانا<sup>[۳]</sup>

## خلاصه

در این پژوهش، عوامل پیش‌بینی‌کننده انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای در میان ۲۲۰ دختر و پسر سال آخر دبیرستان در ایران مورد بررسی قرار گرفت. ارتباط میان اجتماعی شدن (در سنین اولیه)، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، مذهب، تبعیض‌ها در محیط اجتماعی، و منابع موجود در محیط اجتماعی (همگی به عنوان متغیرهای

1- Tohidi, N. Sex differences in achievement/career motivation of Iranian boys and girls. *Sex Roles* 11, 467-484 (1984). <https://doi.org/10.1007/BF00287473>

۲- این نوشته ترجمه مقاله‌ای است که ۳۶ سال پیش به زبان انگلیسی در مجله علمی "نقش‌های جنسی" در حوزه روانشناسی تربیتی به چاپ رسید. پژوهش‌ها و آزمایش‌های مربوط به این نوشته در ایران و آمریکا طی سالهای ۱۳۵۶ و ۵۷ (دو سال قبل از انقلاب)، به منظور نوشتن رساله دوره فوق لیسانس من انجام شد. این مقاله کوتاه مبتنی بر آن رساله، شش سال بعد از آن پژوهش‌ها در سال ۱۹۸۴ منتشر گردید. خواننده این مقاله باید در نظر بگیرد که این نوشته انعکاسی است از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی سالهای آخر پیش از انقلاب در ایران. تکرار پژوهشی مشابه در زمان و شرایط کنونی توسط محقق دیگری می‌تواند داده‌های مقایسه‌ای آموزنده و جالبی از تحولات پس از ۴۵ سال ارائه دهد.

۳- بخشی از این تحقیق توسط مرکز تحقیقات بین‌المللی و مقایسه‌ای دانشگاه ایلینوی مورد حمایت قرار گرفت. نویسندگان دکترها Martin L. Maehr و Helen S. Farmer بخاطر هدایت و پیشنهادهایشان در اجرای این تحقیق قدردانی می‌کند.

پیش‌بینی‌کننده احتمالی) با انگیزه پیشرفت علمی / حرفه‌ای (به عنوان متغیر معیار) مورد سنجش قرار گرفت. برای آن که ضریب واریانس هر متغیر پیشگو مشخص شود، از تجزیه و تحلیل آماری رگرسیون چندگانه (MRA) استفاده گردید. علاوه بر آن، برای آن که قوی‌ترین و بهترین عوامل پیش‌بینی‌کننده (متغیرهای پیشگو) مشخص شوند، یک تجزیه و تحلیل آماری تفکیک‌کننده (DFA) نیز بر اساس چهار ترکیب خطی از متغیرهای وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین، و برای دو گروه مذکر و مونث (پسران و دختران)، مورد اجرا قرار گرفت. از طریق تحلیل محتوای پروتکل‌های تصویری نمایندگی‌کننده‌ی انگیزه پیشرفت، به لحاظ آماری هیچ تصویری که نمایانگر وجود انگیزه قوی پیشرفت علمی / حرفه‌ای باشد در میان این دانش‌آموزان مورد مطالعه در ایران جلوه گر نشد. در عوض، این اندازه‌گیری تصویر غیرمنتظره دیگری را نمایان کرد که حاکی از مشغولیت ذهنی افراد مورد مطالعه با ازدواج و یا وجود انگیزه‌ای قوی برای برقراری رابطه با جنس مخالف بود. همخوان با یافته‌های تحقیقی در آمریکا، دختران ایرانی نمره پایین‌تری در انگیزه پیشرفت علمی / حرفه‌ای بدست آوردند و کمتر از پسران به افکار و عقاید تبعیض‌آمیز باور نشان دادند. افراد مورد مطالعه با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر هر دو جنس در مقایسه با گروه‌های با سطح اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر، درجه بالاتری از انگیزه اشتیاق شغلی نشان دادند و از وجود منابع اجتماعی برای فرصت‌های شغلی برداشت بیشتر و خوش بینانه‌تری داشتند. جنسیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، تبعیض‌های اجتماعی (محلی)، و انگیزه ارتباط با جنس مخالف، وزن خیلی سنگین‌تری از سایر عوامل پیش‌بینی‌کننده در پیشگویی تفاوت یا واریانس در انگیزه شغلی / حرفه‌ای نشان دادند. در این نوشته، پیامدها و دلالت‌های ممکن از نتایج این پژوهش برای ارتقاء انگیزه پیشرفت علمی / حرفه‌ای در میان زنان ایرانی مورد بحث قرار

گرفته است. در پایان، توجه پژوهشگران به احتمال نیاز به تدوین تست‌ها یا سنجشگرهای متفاوتی در پژوهش‌های میان-فرهنگی یا فرا-فرهنگی جهت بررسی انگیزش پیشرفت علمی/حرفه‌ای، جلب گردیده است.

\*\*\*

زنان در سراسر جهان به این دریافت نزدیک می‌شوند که آنها می‌توانند همانند مردان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نقش پیشرفته‌ای داشته باشند. زنان همچنین در مطالبات خود به دسترسی برابر به فرصت‌های تحصیلی، شغلی، سیاسی و اجتماعی موفق‌تر بوده‌اند. با این حال، حتی در بسیاری از کشورهای صنعتی مدرن، همانند آمریکا، سطح پیشرفت‌های علمی و شغلی زنان همچنان پایین‌تر از مردان است. برخی مطالعات حاکی از این هستند که پایین‌تر بودن انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای در میان زنان در مقایسه با مردان، یکی از دلایل پایین بودن میزان پیشرفت آنها در علوم و مراتب حرفه‌ای و اشتغال است (Farmer, 1976; Farmer & Bohn, 1970).

### رویکرد میان فرهنگی

محققین مطالعات میان فرهنگی، قوت و ثبات تاثیر عوامل شخصیتی را بر انگیزه پیشرفت علمی و حرفه‌ای زنان و مردان، به چالش کشیده‌اند. آنها بر این عقیده‌اند که رفع موانع، تغییر در الگوها، کلیشه‌ها و تصویرهای اجتماعی در جامعه و محیط کاری‌توانند بر رفتارهای انگیزشی و دستاوردی تاثیر بیشتری داشته باشند (Maehr, 1974; B. Weiner, 1974).

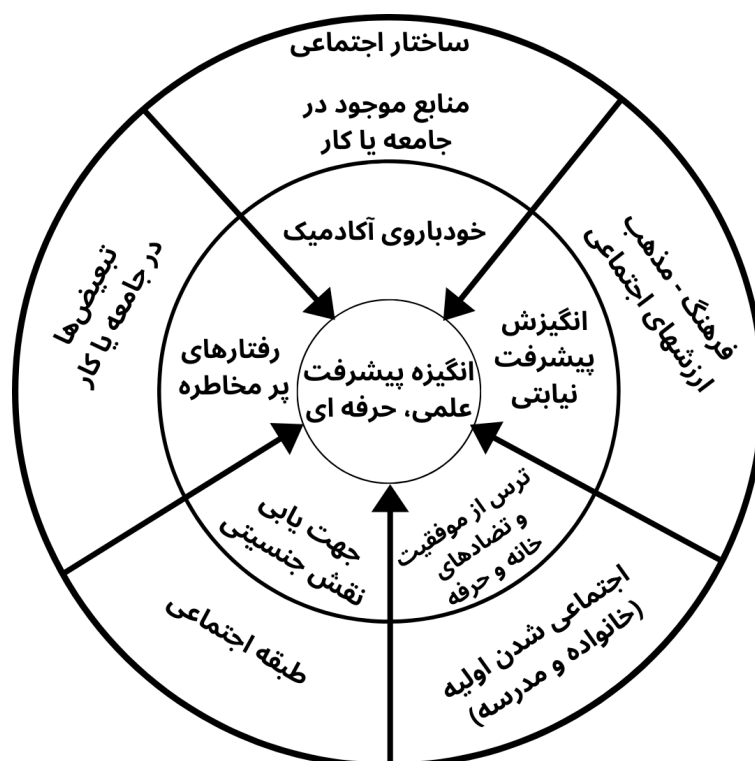
پژوهش حاضر این دیدگاه را پذیرفته و بر نقطه نظر محیطی تاکید می‌ورزد چرا که از این نقطه نظر انتظار می‌رود که تغییر رفتار و انگیزش افراد، به خصوص زنان ایرانی بیشتر منسوب به تغییرات در امکانات سیستم اقتصادی و محیط اجتماعی باشد تا به خصوصیات فردی اشخاص (نظیر برداشت از خود، ارزشها، و علایق شخصی).



نمودار شماره ۱ که ارائه دهنده این دیدگاه است به این مطلب اشاره دارد که تأثیرات عوامل محیطی و اجتماعی به تصویر کشیده شده در دایره بیرونی، عامل رفتارها و نگرشهای ارائه شده در دایره میانی است که آن هم به نوبه خود بر انگیزش پیشرفت علمی/حرفه ای که در دایره درونی ارائه شده است تأثیر می‌گذارد. توضیح وصفی کوتاهی از هر یک از عوامل به کار گرفته شده در این پژوهش به شرح زیر است.

#### اجتماعی شدن اولیه

چندین مطالعه بر این نتیجه‌گیری صحت گذاشته‌اند که آموزش‌های اولیه در تقویت انگیزه پیشرفت و رفتارهای دستاوردی، و بطور کلی الگوهای تربیت کودک به خصوص در خانواده‌های طبقه متوسط آمریکایی برای دختران و پسران متفاوت است. (Moss & Kagan, ۱۹۶۱; Crandall & Battle, ۱۹۷۰)



نمودار شماره ۱: مدل ادراکی برای فهم انگیزه‌های مهار شده شغلی/تحصیلی در زنان

این مطالب در ایران نیز صدق می‌کند. به طور سنتی، مردان ایرانی با هدف پیشرفت و نایل شدن به دستاوردهایی تعلیم می‌بینند، شرایط تحصیل آنها فراهم می‌شود، تشویق به کسب حرفه و سخت کوشی و بدست آوردن استقلال می‌شوند. در سنت به زنان ایرانی اما، یاد داده می‌شود که نگران کسب حرفه یا شغلی نباشند چون یک زن قرار نیست که حامی یا سرپرست خودش باشد (یعنی همسر و یا خانواده‌اش از او حمایت می‌کنند). به دختر یاد داده می‌شود که برای برنده شدن سخت کوشی نکند، زیاد از حد مستقل نباشد بلکه مطیع باشد؛ از همسر خود و دیگر مردان اطراف خود عصبانی نشود؛ خجالتی باشد و به ندرت بخندد و کمتر حرف بزند (Rubovits, 1975; Sedghi, 1976).

"هنوز هم به پسران توجه بیشتری نسبت به دختران می‌شود. به واسطه نگرشهای سنتی و مذهبی، تعاملات اجتماعی برای زنان به طور کلی به مراتب محدودتر است." (Salili, 1979, p. 2)

### تفاوت‌های طبقه اجتماعی

هرچه موقعیت اقتصادی-اجتماعی (SES) فرد در ایران پایین‌تر باشد، میزان تحرک اجتماعی، دسترسی به آموزش و ایده‌های مدرن، به آزادی در انتخاب شغل، دسترسی به تکنولوژی نوین و یا روش زندگی مدرن، دسترسی به تسهیلات مراقبت از کودک، انعطاف پذیری در گزینه‌های ازدواج و مواردی از این قبیل محدودتر خواهد بود.

بیشتر زنان ایران اعضای طبقه پایین جامعه هستند. زنان بیش از نیمی از بار کارهای کشاورزی، قالی بافی، و دیگر صنایع سنتی در مناطق روستایی را به دوش می‌کشند و یا به صورت کارگر در کارخانجات و یا خدمات شهری (مدنی) در مشاغل کم درآمد مشغول به کار هستند. با این وجود اکثر آنها حقوق بگیران مستقل نیستند. در کل کشور، در سال ۱۹۷۱، درصد زنان زحمتکش با درآمد غیر مستقل (یعنی زنانی که حقوقشان از طریق شوهران، پدران و یا برادرانشان پرداخت می‌شود و یا اینکه درآمدشان از کاری که می‌کنند، توسط افرادی مشابه این مردان مدیریت می‌شود)، ۵۹ درصد بوده



است (سازمان برنامه ۱۹۷۳). این زنان به مشاغل خود به عنوان یک منبع رضایت بخش شخص خود یا در جهت مشارکت در امور جامعه نگاه نمی‌کنند بلکه از آن به عنوان یک ناگزیری و ضرورت یا تدبیر اقتصادی یاد میکنند (Sedghi, 1976; Selili, 1979).

بنابراین علی‌رغم همه تغییرات ایجاد شده در فرهنگ و جامعه ایران در طول چند دهه گذشته، جایگاه نسل جدید زنان ایران هنوز به طور قابل ملاحظه‌ای وابسته به وضعیت اقتصادی-اجتماعی آنها است. به نظر می‌رسد که ایده‌ها و روشهای نوین در رابطه با نقش زنان در جامعه، در مرحله اول، زنان طبقه بالا و متوسط بالای جامعه در مناطق شهری را تحت تاثیر قرار داده است و هنوز به ندرت اثری بر طبقه پایین مناطق شهری و روستایی گذاشته است. شواهد نشان می‌دهد که ورود و معرفی تکنولوژی مدرن، که در مناطق پرجمعیت و فقیر روستایی کندتر صورت می‌گیرد، ممکن است عملاً نابرابری جنسیتی طبقات پایین و متوسط رو به پایین ساکن در این مناطق را حتی بیشتر کند (Callaway, 1975).

#### مذهب در ایران

در ایران، اسلام به عنوان یک دین مرد محور، به تسلط نهادینه مردان بر زنان یاری بخشیده است. نهادهای دینی به نقش‌ها و مسئولیت‌های فعال و مسلط مردان در نهادهای اقتصادی، تجاری، تحصیلی و تقریباً همه نهادهای اجتماعی مهر تایید زده است. در نهاد خانواده، تسلط مرد از طریق ازدواج و طلاق به عنوان یک امتیاز مردانه، چند همسری، سیستم صیغه (تمهیدی برای ازدواج موقت که می‌تواند از چند دقیقه تا ۹۹ سال به طول انجامد)، و مواردی از این قبیل تامین می‌شود. علاوه بر این، قوانین وراثت اسلامی به زنان حق داشتن تنها یک چهارم دارایی همسرشان را در صورت نداشتن فرزند و یک هشتم در صورت داشتن فرزند می‌دهد. حق ارث دختران نصف آنچه است که برادرانشان به ارث می‌برند (سلامی ۱۹۷۲). زنان هنوز می‌بایست در حضور مردان، چادر و یا روسری‌های بلند به سر کنند.

با توجه به این واقعیت که بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران مسلمان هستند،

به رغم تاثیر فزاینده فرهنگ غرب، رسوم و ارزشهای اسلامی هنوز پایه ای قوی در فرهنگ و جامعه ایرانی دارند. بنابراین انتظار می‌رود که در ایران، همانند آمریکا (Lipman-Blumen, 1972; Apler, 1874; Bern, 1974)، اندازه گیری ما از میزان انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای در میان زنانی که تمایل به نقش‌های سنتی زنانه دارند درجات پایین‌تری را در مقایسه با آن دسته که تمایلاتی غیر سنتی و کمتر مذهبی دارند، نشان دهد.

با این وجود، برای مطالعه تاثیرات اسلام بر روی موقعیت زنان و میزان اشتیاق و انگیزه آنان به پیشرفت و موفقیت در جامعه فعلی ایران (دهه ۱۳۵۰ شمسی)، باید تغییرات و اصلاحاتی را که از طریق جنبش اسلامی جدید در حال به وقوع پیوستن است را نیز در نظر گرفت. بخشی از اعتقادات و ارزشهای مذهبی تا حدودی با وضعیت اقتصادی-اجتماعی جدید سازگار شده است. در طول ۱۵۰ سال گذشته، سیستم تولید سرمایه داری به تدریج جایگزین سیستم اقتصادی شبه فئودالی قدیم شده است که منجر به تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیاری گردیده است. برای مثال بسیاری از خانواده‌های ایلی و گسترده روستاها به خانواده‌های شهری هسته ای (محدود به پدر و مادر و فرزندان) شده است. با افزایش هزینه‌های زندگی برای اکثریت مردم و دیگر تغییرات در شیوه زندگی، دیگر اغلب مردان توانایی مالی ازدواج با بیش از یک همسر را ندارند و آن دسته‌ای که از نظر مالی توانایی دارند نیز از انجام آن نهي می‌شوند. علاوه بر این بسیاری از زنان شهری در خانواده‌های هسته‌ای یا می‌خواهند و یا از لحاظ اقتصادی ناگزیرند کار بیرون از خانه نیز داشته باشند. این ضرورت‌های اقتصادی و واقعیت‌های متحول اجتماعی دیگر قابل انکار یا سرکوب شدن با نگرشهای مذهبی-سنتی نیستند.

بعضی از دیدگاه‌های اسلامی جدید با عقاید کهنه و جنبه‌های سنتی و متعصبانه مذهبی متفاوتند. گرایش‌های جدید در جنبش اسلامی (برای مثال آنچه توسط علی شریعتی<sup>[۴]</sup> و یا جوانان مجاهد<sup>[۵]</sup> پیرو او ارائه می‌شوند)،

۴- شریعتی، علی. اسلام شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۹۷۲. همچنین نگاه کنید به آبراهامیان، یراوند.

علی شریعتی: ایدئولوگ انقلاب ایران. *Merip Reports*، شماره ۱۰۲ صفحات ۲۴-۲۸. ۱۹۸۲

۵- عسگری زاده، محمود. *اقتصاد به زبان ساده*. تهران: سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۹۷۱



نقش مهمی در تغییر ارزشها و نگرشهای اجتماعی-فرهنگی و همچنین سیاسی نسل جوانتر ایران ایفا می‌کنند. هم اکنون شاهد افزایش تعداد زنان نسل جدیدی هستیم که به دبیرستان و دانشگاه می‌روند، در کارخانجات و ادارات خدمات مدنی مشغول به کارند و به عنوان پوشش، دیگر از چادر سنتی استفاده نمی‌کنند، بلکه در پوششی جدید با آستین‌های بلند و روسری، آنچه که "مد اسلامی" خوانده می‌شود، ظاهر می‌شوند (برای آنها پوشش جدید هم راحت تر است و هم در ارتباط با فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی زنان به طور قابل توجهی کمتر محدودیت ایجاد می‌کند).

بنابراین، این نوع تفاسیر و تعبیر جدید از عملکرد اسلام، ارزیابی یا پیش بینی و توضیح روشها و مکانیسم‌هایی را که مذهب بر روند کسب موفقیت نسل جدید زنان ایرانی تاثیر می‌گذارند را پیچیده و نامعین می‌کند.

### بستر و زمینه اجتماعی

بعضی مطالعات اخیر قوت و ثبات اثرات تربیت و "اجتماعی شدن اولیه" را بر انگیزه زنان و مردان به چالش کشیده‌اند و بر این اعتقادند که تحول در قواعد و موانع و مصوبات رایج در محیط اجتماعی و محیط کار میتواند رفتار و انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای را دستخوش تغییر کند (Maehr, 1974; B. Weiner, 1974). لذا در این پژوهش اثرات دو بعد ویژه ازبستر یا ابعاد اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهیم: تبعیض در جامعه و محیط کاراز یک سو و منابع موجود یا در دسترس در جامعه.

#### تبعیض در جامعه

مطالعات مربوط به این زمینه در امریکا (U.S. Department of Labor, 1974; Sweet, 1974) نشان می‌دهد که زنان در نیروی کار از حیث آموزش، استخدام، ارتقا و افزایش حقوق مورد تبعیض واقع می‌شوند (Astin, 1973; Fuchs, 1974; Parrish, 1974; Blitz, 1974). همچنین زنانی که نقش سنتی کلیشه ای دارند و از انگیزه حرفه‌ای پایینی برخوردار هستند،



در اندازه‌گیریهای مربوط به تبعیض در جامعه نمره بالاتری کسب می‌کنند (Farmer, 1976).

### منابع موجود در جامعه

علی‌رغم همه تغییراتی که در ۴۰-۵۰ سال گذشته در ایران رخ داده است، هنوز سیستم آموزشی و نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی، برتری مردانه را تقویت می‌کنند. فرصتهای تحصیلی به مراتب راحت‌تر از زنان در دسترس مردان قرار می‌گیرد. آمار ملی ایران در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ شمسی) نشان می‌دهد که افزایش سواد آموزی در مناطق شهری در میان مردان ۲۲ درصد بیش از زنان است. این میزان، در مناطق روستایی نیز، برای مردان بالاتر از زنان بود (صدقی ۱۹۷۶). میزان سواد آموزی در طول سالهای ۱۹۵۶-۱۹۶۸، فقط ۱۲ درصد برای زنان شهری و ۰۴ درصد برای زنان روستایی بود (سازمان برنامه، ۱۹۷۳).

به علاوه، فقدان (۱) مصوبات اجتماعی کافی و قانونگذاری قوی و پشتیبان برای حقوق و فرصتهای یکسان برای زنان و مردان و (۲) منابع حمایتی مانند تسهیلات کافی نگهداری از کودک از جمله متغیرهای کلیدی مربوط به تقویت انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای زنان در ایران هستند. این همبستگی مثبت میان منابع حمایتی و تسهیلات در محیط کار در پژوهشی بر روی زنان آمریکایی نشان داده شده است: یعنی در بستر اجتماعی آمریکا، هرچه امتیاز کسب شده توسط افراد شرکت‌کننده در اندازه‌گیری‌های فاکتور حمایت جامعه بالاتر باشد، انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای‌شان نیز بالاتر بوده است (Farmer, 1976). پژوهش حاضر همین ارتباط را با نمونه‌های ایرانی مورد آزمایش قرار داده است.

### فرضیات

این پژوهش بر اساس فرضیات زیرتدوین شده است:

۱. تجربه تربیت و اجتماعی شدن اولیه یکی از عوامل مربوط



به انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای برای شرکت کنندگان در این پژوهش است.

۲. وضعیت اقتصادی-اجتماعی (Socio-Economic Status) با انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای در ارتباط هستند به طوری که SES نسبتاً بالا در مقایسه با SES پایین‌تر می‌تواند به تفاوت‌های کمتری بین نگرش زنان و مردان در باب رفتارهای مربوط به حرفه یا پیشرفت منجر شود.

۳. هرچه مذهب سنتی بیشتر ارجح گذاشته شود، انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای در میان زنان کمتر خواهد بود.

۴. یک همبستگی مثبت بین تعصب مذهبی و تبعیض جنسیتی و یک همبستگی منفی بین اعتقاد به تبعیض جنسیتی و انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای فرد وجود دارد.

۵. منابع و حمایت‌های موجود در جامعه به طور مثبتی انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای را در مردان و زنان پیش بینی می‌کنند.

### متدولوژی: روش انجام پژوهش

#### افراد مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه شامل ۲۲۰ دانش آموز دبیرستانی سال آخر در ایران بودند (۱۱۰ مذکر و ۱۱۰ مونث). این افراد بین ۱۷ تا ۱۸ سال سن داشتند و در مدارس دولتی یا نیمه خصوصی در تهران مشغول به تحصیل بودند. تلاش بر انتخاب دانش آموزان از مدارس بود که واقع در مناطق مسکونی متعلق به طبقه متوسط رو به بالا و متوسط رو به پایین باشند. برای دستیابی به معیارهای مشخص تری برای طبقه بندی دو گروه SES، داده‌هایی نیز در مورد پیش زمینه اقتصادی-اجتماعی افراد شرکت کننده از قبیل تحصیلات، شغل و درآمد والدین و همچنین شرایط سکونت آنان جمع آوری شدند.

#### شیوه کار

شش ابزار سنجش (تست) که متغیرهای وابسته و مستقل را ارزیابی



می‌کردند به کار گرفته شد. این تست‌ها با استفاده از تکنیک ترجمه و بازترجمه معکوس<sup>[۶]</sup> به فارسی برگردانده شدند.

داده‌ها در تهران، ایران، در طی سال‌های ۱۹۷۷-۷۸ میلادی برابر با ۱۳۵۶-۵۷ خورشیدی توسط نویسنده این سطور و یک دانشجوی فوق لیسانس ایرانی جمع آوری شده‌اند. آزمایش‌ها در محیط گروهی انجام شدند و به دانش آموزان گفته شد که جواب صحیح یا غلط وجود ندارد و نتایج هیچ تاثیری بر نمرات آکادمیک و یا سابقه آنها در مدرسه نخواهد داشت. آزمایش‌ها با یک سری از اعداد، کد گذاری شدند و افراد ملزم به نوشتن اسمشان نبودند. پس از تکمیل پرسشنامه، از افراد خواسته شد در صورت تمایل اطلاعاتی را پیرامون زمینه اقتصادی-اجتماعی خود در یک پرسشنامه جداگانه وارد بکنند. حدود ۹۰ درصد شرکت کنندگان این کار را انجام دادند. ۱۴ تن از شرکت کنندگان، به علت ناقص بودن پاسخ‌ها در پرسشنامه‌ها از تحلیل‌ها حذف شدند.

### متغیرهای وابسته (معیارها)

#### انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک:

نمونه‌های کلامی بدست آمده توسط Horner, ۱۹۶۸ از آزمون سنجشی Atkinson, ۱۹۵۸ مورد استفاده واقع شدند که از درون داستانهای تخیلی که بر میانگیزد، انگیزه پیشرفت فرد استخراج و اندازه گیری می شود. ضریب اطمینان (interjudge rescore) آزمایش در مطالعه Horner دارای همبستگی rank-order ۰.۹۳. برای nAch (انگیزه یا نیاز به پیشرفت) بود (Horner, 1974). درجه بندی ونمره گذاری این آزمایش توسط من و همکارم (دو ارزیاب مستقل) و بر طبق سیستم درجه بندی تحلیل محتوی که توسط Aktinson, ۱۹۸۵ مطرح شده بود، انجام گرفت. ضریب اطمینان (interjudge rescore) در طیف قابل قبولی بود (۰.۹۱).

#### ارزیابی انگیزه پیشرفت تحت شرایطی خنثی انجام شد و هیچگونه

6- back translation technique (Warner&Cambel 1970; Brioin, Leonard 1973) ترجمه و باز ترجمه معکوس



تلاشی برای ایجاد یک جو تحریک کننده یا آرامش بخش صورت نگرفت.  
(McClelland, 1967)

از شرکت کنندگان خواسته شد که دستورالعمل‌های چاپ شده در مورد آزمایش را بخوانند، در عین حالی که آزمایش کننده نیز آنها را با صدای بلند قرائت می‌کرد. از طریق سیستم امتیاز بندی (نمره گذاری) و تحلیل محتوای نشانه‌ها (سرنخ‌ها) به دنبال اندازه گیری انگیزه پیشرفت بودیم. اما هر دو ارزیاب به طور مستقل از هم متوجه یک موضوع غالب در داستانهای نوشته شده توسط شرکت کنندگان ایرانی شدیم، یعنی تمی را کشف کردیم که منعکس کننده تصویری از انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای مورد انتظار نبود، بلکه نشان دهنده اشتیاق افراد به ازدواج یا ارتباط با جنس مخالف بود. موضوع انگیزه ارتباط با جنس مخالف که متفاوت از تصویر "پیشرفت علمی/دانشگاهی" بود، به کرات در داستانهای نوشته شده افراد مورد آزمایش نمایان گردید به طوری که تصمیم گرفتم آن انگیزه را به عنوان یک مقوله جدا در نظر بگیریم و آن را در لیست متغیرهای وابسته (معیار) دسته بندی کنیم. این تم یا موضوع غالب معمولا شامل یک داستان عشقی بود با انتظار یک انتهای غمگین و یا شکست در ازدواج که عمدتا به خاطر موانع ایجاد شده که از تنشهای موجود بین خواسته‌های شخص و ارزشهای سنتی والدین حاصل می‌شد و یا داستانی بود با انتهای شاد (یعنی ازدواج کردن و داشتن زندگی خوب همراه با آرامش)، که عمدتا توسط شرکت کنندگان دختر ارائه می‌شد و یا ایجاد یک عشق خوب و رابطه جنسی که توسط پسران بیان می‌شد.

بنابراین یافته‌های اولین آزمایش برای دو عامل معیار (متغیرهای وابسته) اندازه گیری شدند یعنی هم برای "انگیزه پیشرفت علمی" و هم موضوع غالب غیر منتظره که می‌توان از آن به عنوان «انگیزه ازدواج» (اغلب در مورد دختران) و یا «انگیزه ارتباط با جنس مخالف» (اغلب در مورد پسران) یاد کرد. هر دو موضوع تحت یک روش اندازه گیری (یا نمره‌بندی) شدند.

#### انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی:

متغیر معیارسوم، یعنی انگیزه شغلی یا حرفه‌ای با استفاده از روش

Holland (۱۹۷۳)؛ Roe (۱۹۵۶) با نمره دادن به رویا پردازی شغلی و سطح ابراز شده از اشتیاق حرفه‌ای شرکت کنندگان اندازه گیری شد. اعتبار پیش بینی شده ( $kappa = .44$ ) برای روش کار بیش از مقداری بود که قبلا برای آزمایش طولانی‌تر که توسط Holland طراحی شده بود مطرح شد ( $kappa = .33$ ).  $kappa$  ضریب اعتباری است که برای داده‌های اسمی استفاده می‌شود. ضریب اطمینان داده برای محاسبات رویا پردازی بین ۰.۷۱ تا ۰.۶۷ بودند. درجه بندی آزمایش بر اساس مقیاس Duncan (۱۹۶۱) انجام گرفت که به طور تقریبی برای استفاده در نمره گذاری سطح بیان شده اشتیاق حرفه‌ای در بین شرکت کنندگان ایرانی مورد تطابق واقع شده بود.

### متغیرهای مستقل

علاوه بر جنسیت، متغیرهای پیش بینی کننده‌ای که در زیر مورد بررسی واقع می‌شوند، ارائه دهنده عواملی هستند که قبلا از طریق پرسشنامه در آمریکا مورد اندازه گیری قرار گرفته بودند. (Farmer, 1976; Fyans, 1977).

*اجتماعی شدن اولیه*: شکل گیری روابط اجتماعی اولیه با وسیله ای اندازه گیری شد که توسط Fyans (۱۹۷۷) طراحی شده است تا سه جنبه ادراک یک شخص را از تجربه‌های اولیه یادگیری با والدین و خواهر و برادرانش را بسنجد: (a) تشویق والدین به استقلال مالی و عاطفی؛ (b) کیفیت محیط منزل و روابط از لحاظ عاطفی (گرم و صمیمی، رضایت بخش در مقابل سرد و بی‌احساس، پس زننده)؛ و (c) ارزش گذاری به دستاوردهای شخص توسط والدین، خواهران و برادران، بستگان و «دیگران مهم». ضریب اطمینان این سنجش ۰.۸۶ بود.

*زمینه اجتماعی*، منابع موجود در جامعه: آزمونی برای اندازه گیری درجه برداشت افراد از میزان حمایت و منابع موجود در محیط برای نیل به آرزوهای آکادمیک و حرفه ای شان طراحی شد. این آزمون برداشت فرد از عوامل و منابع زیر را مورد سنجش قرار میداد: (a) نگرشها و انتظارات «دیگران مهم»؛ (b) برابری دسترسی به تسهیلات آموزشی، استخدامی، دسترسی به تسهیلات



مراقبت از کودکان، تسهیلات خانه داری، کمک های خانگی، و تقسیم کار خانه و خانه داری مشترک توسط هر دو زوج... و c) قوانین حمایتی در کشور و سیاست های حمایتی از طرف دولت. ضریب اطمینان بدست آمده در این ابزار سنجش ۵۵ بود (Farmer, 1976).

زمینه اجتماعی، تبعیضات موجود در جامعه: این ابزار نظرسنجی از نوع مقیاس لیکرت بود که ۱۳ مورد تبعیضات را شامل میشد. یعنی موارد اعتقاداتی که به طور معمول توسط کارفرمایان و مربیان پذیرفته شده است که به موجب آن زنان در محیط های آموزشی و شغلی مورد تبعیض واقع می شوند. این لیست، درک افراد و نگرش آنان را در مورد این گونه اعتقادات اندازه گیری می کرد، اعتقاداتی که در انگیزه پیشرفت آکادمیک و حرفه ای زنان نقش بازدارنده دارند. ضریب اطمینان این تست ۹۳ بود.

دین یا مذهب: میزان مذهبی بودن افراد شرکت کننده به وسیله پرسشنامه ای که توسط (Salili, 1976) و نویسنده این سطور طراحی شده است، اندازه گیری شد. Salili گزینه ها را بر اساس یک سری مصاحبه که در مشهد، ایران انجام داده بود تکمیل کرد. من بعضی از موارد گزینش شده را با در نظر گرفتن نقدی از ۱۷ آزمایش مربوط به دیدگاه های مذهبی مختلف (Robinson & Shaver, 1973) که به طور رایج در آمریکا مورد استفاده واقع می شوند، انتخاب و انطباق داده، پرسشنامه را بسط دادم.

وضعیت اقتصادی - اجتماعی (SES): افراد مورد مطالعه به دو طبقه متوسط رو به بالا و متوسط رو به پایین تقسیم شدند. مبنای این طبقه بندی عبارت بود از نوع مدرسه آنها (مدرسه خصوصی در شمال تهران و یا مدرسه دولتی در قسمت جنوبی تهران) و نیز اطلاعات شخصی شامل تحصیلات، شغل، و درآمد والدین و شرایط سکونت (مالکیت خانه، تعداد افرادی که در خانه زندگی می کنند و...). در این جا دسترسی به رسانه ها مثل رادیو، تلویزیون و روزنامه هم لحاظ شده بود.

### طرح آزمایش

روش آماری "تحلیل‌های رگرسیون چند گانه" (MRA برای آزمودن میزان درستی یا نادرستی فرضیه‌های این پژوهش (بنگرید به پنج فرضیه لیست شده در صفحات قبل) به کار گرفته شد. هدف این بود که مشخص شود هر یک از متغیرهای مستقل (پیشگو) تا چه حد توان پیش بینی تفاوت در شدت و ضعف (واریانس) متغیرهای وابسته یعنی (a انگیزه پیشرفت علمی، و b) انگیزه پیشرفت حرفه‌ای، را داشته‌اند. متغیرهای تعیین شده در بالا به عنوان "معیار" در بعضی از تحلیل‌های MR به عنوان متغیرهای پیش بینی کننده مورد استفاده قرار گرفتند. برای مثال در یک معادله MR "انگیزه پیشرفت حرفه‌ای"، متغیر وابسته تلقی شد ولی "انگیزه پیشرفت علمی" و "انگیزه ارتباط با جنس مخالف"، به متغیرهای مستقل اضافه شدند. از آنجایی که رابطه علت و معلولی خاصی بین متغیرها وجود ندارد، به نظر رسید که این دستکاری در معیارهای تعیین شده قابل قبول باشند تا انواع ارتباط‌های ممکن بین این عوامل روشن گردد. به علاوه برای مشخص کردن بهترین و قوی‌ترین عوامل پیش بینی کننده انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای، از روش آماری "تحلیل تفکیکی کارکردها" (DFA) بهره جستیم که بر مبنای چهار ترکیب خطی (دو گروه طبقاتی اقتصادی- اجتماعی بالا و پایین در ترکیب با دو گروه جنسیتی دختران و پسران) انجام گرفت.

### نتایج و بحث

ضریب همبستگی پیرسون میان داده‌ها نشان می‌دهد که همبستگی معنادار بالایی بین متغیرمعیار "انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی" و اکثر متغیرهای پیشگو (پیش‌بینی کننده) وجود دارد (جدول شماره ۱). همچنین اولین تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که ترکیب متغیرهای پیش‌بینی کننده با هم، توضیح دهنده ۳۷ درصد واریانس "انگیزه حرفه‌ای/شغلی" هستند. متغیرهای جنسیت، تبعیضات در جامعه/محیط کار، و انگیزه ارتباط با جنس مخالف، بالاترین سهم را در پیش بینی میزان "انگیزه حرفه‌ای"



داشته اند. (جدول شماره ۲)

متغیرها	ماتریکس همبستگی برای متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و متغیرهای معیار									
	معیارها					پیش‌بینی‌کننده‌ها				
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پیش‌بینی‌کننده‌ها										
(۱) انگیزه حرفه‌ای (a)	۱/۰۰									
(۲) انگیزه حرفه‌ای (۱)	-.۰۷۲(ج)	۱/۰۰								
(۳) انگیزه پیشرفت علمی	-.۰۲۲	-.۰۱۱	۱/۰۰							
(۴) انگیزه ارتباط با جنس مخالف	-.۰۱۸(ج)	-.۰۱۵(د)	-.۰۰۵	۱/۰۰						
معیارها										
(۵) جنسیت	-.۰۴۶(ج)	-.۰۳۶(ج)	-.۰۰۰	-.۰۱۵(د)	۱/۰۰					
(۶) وضعیت اقتصادی-اجتماعی	-.۰۲۷(ج)	-.۰۱۵	-.۰۰۸	-.۰۱۵(د)	-.۰۰۶	۱/۰۰				
(۷) اجتماعی شدن اولیه	-.۰۲۴(د)	-.۰۱۳	-.۰۰۶	-.۰۰۵	-.۰۰۹	-.۰۱۶(د)	۱/۰۰			
(۸) درجه مذهبی بودن	-.۰۱۴(د)	-.۰۰۵	-.۰۰۲	-.۰۱۶(د)	-.۰۳۱(ج)	-.۰۱۱	-.۰۱۰	۱/۰۰		
(۹) منابع جامعه	-.۰۱۷(د)	-.۰۰۹	-.۰۰۴	-.۰۰۲	-.۰۰۳	-.۰۳۰(د)	-.۰۳۹(ج)	-.۰۰۰	۱/۰۰	
(۱۰) تبعیض‌های جامعه	-.۰۰۳	-.۰۰۵	-.۰۰۹	-.۰۱۵(د)	-.۰۵۲(ج)	-.۰۲۷(د)	-.۰۰۸	-.۰۳۸(ج)	-.۰۲۴(ج)	۱/۰۰

(الف) =مونت، ۲=مذکر (الف)  
(ب) =طبقه متوسط رو به پایین، ۲=طبقه متوسط رو به بالا  
(ج)  $p < .01, df = 204$   
(د)  $p < .05, df = 204$

سازگار با نتایج بدست آمده از تحقیقات در آمریکا (Tyler, 1964; Camp-), دختران ایرانی شرکت کننده در این پژوهش به خصوص آنهایی که از گروه طبقه بندی اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر بودند، سطح اشتیاق حرفه‌ای کمتری را نشان دادند. تاثیرات مثبت و وزین شرایط اقتصادی-اجتماعی در پیش‌گویی انگیزه حرفه‌ای نشان می‌دهد که همانگونه که انتظار می‌رفت، گروه SES پایین‌تر، سطح پایین‌تری از اشتیاق حرفه‌ای را نسبت به گروه SES بالاتر نشان دهند. (جدول شماره ۲)

نتایج اولین تجزیه و تحلیل رگرسیون (مرتبط با چهارمین فرضیه این پژوهش) نشان داد که هرچه میزان حس تبعیض در جامعه پایین‌تر باشد، انگیزه حرفه‌ای فرد بالاتر خواهد بود (جدول شماره ۲). اما این همبستگی منفی بین تبعیض در جامعه و انگیزه حرفه‌ای، با نتایج بدست آمده از تحلیل‌های تفکیک کننده به نظر سازگارنرسید (شکل شماره ۲،  $Y_1$  و  $Y_2$  را مقایسه کنید). با این وجود، نتایج تست بکار رفته حاوی همبستگی بالا و بسیار معنا داری است بین تبعیضات در جامعه و جنسیت ( $r = .52, p < .001$ ) که نشان دهنده این مطلب است که شرکت کنندگان پسرهنوز به مراتب بیشتر از دختران به کلیشه‌های جنسی خرافی و نگرشهای تبعیض‌گرایانه جنسیتی باور دارند.



## تفاوت‌های جنسیتی در انگیزه پیشرفت

جدول شماره ۲ انگیزه‌های حرفه‌ای (۲): خلاصه بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها (الف)

پیش‌بینی‌کننده‌ها	F, t	ضریب همبستگی (β)	R	R <sup>2</sup>	N	df
جنسیت (۵)	۷/۶۷ (ب)	-۰/۵۲۵۸	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۰۶	۲۹۷
وضعیت اقتصادی- اجتماعی (۶)	+۴/۴۱ (ب)	+۰/۲۷۲۳				
تبعیض در جامعه (۱۰)	-۲/۷۵ (ب)	-۰/۲۰۴۰				
انگیزه ارتباط با جنس مخالف (۴)	۲/۹۷ (ب)	-۰/۱۷۳۳				

(الف)  $p < .01$ . نسبت F برای کل آزمایش رگرسیون خطی چندگانه بر  $\alpha < .01$  قابل توجه است. انگیزه حرفه ای  $F_{obs} = ۱۴/۶۶$   
 (ب) قابل توجه در هر دو تست، تست t و تست F

نه هیچ ترکیب خطی از متغیرهای پیش بینی کننده توانستند توضیح گر آماری واریانس (شدت و ضعف) "انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک" باشند و نه هیچ همبستگی ساده و از لحاظ آماری معتبر و معناداری بین "انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک" و متغیرهای پیشگو به دست آمد (جدول شماره ۱). نمره متوسط مربوط به انگیزه پیشرفت علمی در میان پسران و دختران به ترتیب ۲.۱۳ و ۲.۱۴ بود که در مقایسه با داده های پژوهش ها در آمریکا، خیلی پایین است. در آمریکا نمرات متوسط برای پسرها ۶.۳ و برای دخترها ۵.۴ گزارش شده است (Atkinson & Raynor, 1974).

از این داده ها می توان چنین نتیجه گرفت که نشانه های فرافکنانه ای که در تست های اندازه گیری "انگیزه پیشرفت علمی" گنجانده شده بودند، نتوانستند در شرکت کنندگان ایرانی این پژوهش، تم ها و تصاویر قابل توجهی حاکی از اشتیاق به پیشرفت علمی را برانگیزانند. بلکه آن نشانه ها، تصاویر و موضوعاتی را برانگیختند که منعکس کننده درگیری ها و دغدغه عمیق این جوانان در روابطشان با جنس مخالف و یا آرزوی موفقیت در ازدواج مطلوب بود. برای مثال، در اولین نشانه فرافکنانه تصویری (که یک زن یا مرد جوان در حال صحبت کردن راجع به یک امر مهم با یک فرد مسن تر است)، محتوای داستانهایی که افراد شرکت کننده نوشته اند، غالباً راجع به یک «زن جوان» (در مورد شرکت کنندگان مونث) بود که سعی می کند از یک فرد مسن تر در مورد مسائل مربوط به ازدواج و یا تنشهای بین نسل های جدید و قدیم، به



خصوص در رابطه با ارزشهای سنتی و مذهبی در باره داشتن «دوست پسر یا دختر»، تعاملات اجتماعی و موضوعاتی از این قبیل مشورت بطلبد. به ندرت دیده شد که محتوی داستانها مربوط به «مرد جوانی» (در مورد شرکت کنندگان مذکر) باشد که توسط «یک شخص مسن» برای استخدام مصاحبه می‌شود.

به عنوان یک مثال دیگر، سومین نشانه تصویری (احمد/ پروین بر روی یک صندلی نشسته‌اند و لبخندی بر صورت دارند) به ندرت توانست تم یا موضوعی حاکی از انگیزه قوی در زمینه علمی، حرفه ای، یا شغلی باشد. بلکه در عوض داستان‌ها اغلب علاقه به جنس مخالف را مطرح می‌کردند. در داستان‌های پسران، تم سرخوردگی در روابط با جنس مخالف شایع و غالب بود. برای دختران، نگرانی جدی در باب ازدواج و مسائل مربوط به آن بود. اگر پیش زمینه اجتماعی-فرهنگی افراد در نظر گرفته شود، فهمیدن چرایی چنین یافته‌هایی کار دشواری نیست. در معرض قرار گرفتن نسل جوان با ارزشهای اجتماعی جدید که در تضاد قابل توجهی با اخلاقیات و نگرشهای سنتی است، منجر به یک فاصله، تنش و نزاع در خور توجه بین دو نسل شده است.

		وضعیت اقتصادی-اجتماعی	
		پائین‌تر	بالا‌تر
نسبت	مذکر	$y_{11}$ پائین‌ترین انگیزه حرفه‌ای، علمی، پائین‌ترین تبعیض در جامعه $y_{12}$	$y_{11}$ انگیزه حرفه‌ای، علمی پائین‌تر تبعیض در جامعه پائین‌تر $y_{12}$
	مؤنث	پائین‌ترین انگیزه حرفه‌ای، علمی، پائین‌ترین منابع موجود در جامعه بالاترین تبعیض در جامعه بالاترین انگیزه ارتباط با جنس مخالف $y_{11}$ بالاترین انگیزه حرفه‌ای، علمی، بالاترین تبعیض در جامعه $y_{12}$	بالاترین انگیزه حرفه‌ای، علمی، بالاترین منابع موجود در جامعه پائین‌ترین تبعیض در جامعه پائین‌ترین انگیزه ارتباط با جنس مخالف $y_{11}$ انگیزه حرفه‌ای، علمی بالاتر تبعیض در جامعه بالاتر $y_{12}$

نمودار شماره ۲: نمایش سطح متغیرهای بسیار مهم برای هر گروه بر اساس عملکرد دو عامل متمایز کننده ( $y_2, y_1$ )

به رغم وضعیت در حال گذار جامعه ایران، رضایت بخش‌ترین کارکرد زنان، بخصوص زنانی که به طبقه روستایی و پایین جامعه تعلق دارند، هنوز بچه داری است. هدف غالب یک زن ازدواج کردن با مردی است که دارای پرستیژ اجتماعی و موقعیت اقتصادی خوبی باشد و بتواند یک رضایت پیشرفت یا دستاوردی نیابتی را برای او تامین کند. همانگونه که (Salili, 1979) خاطرنشان می‌کند، زنان ایرانی معمولاً با عناوین حرفه‌ای همسرانشان مورد خطاب واقع می‌شوند (خانم دکتر فلانی).

بنابراین، در مورد شرکت کنندگان مونث در این پژوهش، ظهور مکرر تم‌ها و تصاویر مربوط به ازدواج می‌تواند به عنوان روشی خاص برای بیان انگیزه پیشرفت (اما نه علمی و آکادمیک) تلقی شود. حداقل، به نظر می‌رسد که یک ازدواج موفق به عنوان هدفی برای دستیابی و یا به عنوان یک موفقیت بزرگ (اگر نگوئیم بزرگترین) انگاشته می‌شود.

به طور خلاصه، در این داده‌ها، بین انگیزه ازدواج و یا علاقه ارتباط با جنس مخالف، جنسیت، و شرایط اقتصادی اجتماعی، همبستگی معناداری وجود دارد (جدول شماره ۱) که نشان دهنده این مطلب است که زنان و شرکت کنندگان متعلق به طبقه بالاتر درجه کمتری از انگیزه ارتباط با جنس مخالف را در مقایسه با مردان و شرکت کنندگان متعلق به طبقه پایین‌تر ابراز می‌کنند. همچنین، بنا به نتایج تکنیک آماری رگرسیون چندگانه، اشتیاق به ارتباط با جنس مخالف به عنوان یکی از بهترین پیش بینی کننده‌های انگیزه شغلی/حرفه‌ای ظاهر شد. (جدول شماره ۲). وضعیت اقتصادی اجتماعی (SES) و انگیزه پیشرفت حرفه‌ای، زمانی که به عنوان متغیر معیار لحاظ شدند، بالاترین سهم را در پیش بینی انگیزه ارتباط با جنس مخالف، ایفا کردند (جدول شماره ۳). بر اساس این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که جوانان طبقه پایین‌تر، بخصوص پسران، سرخوردگی بیشتری در باب روابط با جنس مخالف احساس می‌کنند و نیز در مقایسه با طبقه بالاتر، دسترسی کمتری به تعاملات اجتماعی مدرن و غیر سنتی دارند. بنابراین اشتیاق یا انگیزه قوی‌تر برای پیشرفت حرفه‌ای/شغلی در میان افراد طبقه پایین‌تر می‌تواند به عنوان پیگیری کانالی به سمت یک سبک زندگی آزادتر و مدرن‌تر نیز مورد توجه و



تعبیر قرار گیرد.

جدول شماره ۳ انگیزه ارتباط با جنس مخالف: خلاصه بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها (الف)

پیش‌بینی‌کننده‌ها	F, t	ضریب همبستگی ( $\beta$ )	R	R <sup>2</sup>	N	df
وضعیت اقتصادی-اجتماعی (۶)	(ب) ۲/۷۸-	-۰/۴۱۰۵	۰/۳۳	۰/۱۱	۲۰۶	۱۹۷
انگیزه حرفه‌ای (a) (۱)	(ب) ۲/۹۷	۰/۲۴۶۶				

(الف) پیش‌بینی‌کننده‌ها: جنسیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، درجه مذهبی بودن، منابع جامعه.  
تبعیض‌های جامعه، انگیزه حرفه‌ای (a)، انگیزه پیشرفت علمی. معیار = انگیزه ارتباط با جنس مخالف.  $F_{obs}=2/99$   
(ب)  $p < .01$

مرتبط با هر یک از فرضیه‌های این پژوهش، نتایج را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. گرچه عامل "اجتماعی شدن اولیه" نقش مهمی در پیش‌بینی متغیرهای معیار نداشت، ولی همبستگی ساده معناداری را با انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی نشان داد (جدول شماره ۱). این یافته می‌تواند گویای این مطلب باشد که هرچه افراد در کودکی برای کسب استقلال و پیشرفت حرفه‌ای بیشتر ترغیب شوند، انگیزه یا اشتیاق حرفه‌ای شان بالاتر خواهد بود. به نظر می‌رسد که این یافته اولین فرضیه این مطالعه و همچنین بعضی از تئوری‌ها که در امریکا مطرح شده است را تایید میکند (Rubovits, 1975).

۲. فرضیه دوم تقریباً به طور کامل با یافته‌ها سازگار بود: افراد طبقه بالاتر (طبقه متوسط رو به بالا)، زنان و مردان، امتیاز بالاتری در اندازه‌گیری‌های انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای نسبت به افراد طبقه پایین‌تر کسب کردند. افراد طبقه بالاتر همچنین اعتقاد کمتری به تبعیض جنسیتی نسبت به طبقه پایین‌تر داشتند (نمودارهای شماره ۱ و ۲). این یافته‌ها در تطابق کامل با توضیح و توجیهی است که برای ضرورت گنجاندن عامل طبقه اقتصادی-اجتماعی در این پژوهش ارائه شد.

۳ و ۴. همانگونه که فرض شد، نتایج، نشان دهنده یک همبستگی قوی مثبت بین میزان مذهبی بودن و اعتقاد به تبعیضات جنسیتی بوده است ( $r = .31, p < .01$ )، که خود نشان دهنده این است که اعتقاد به تبعیض

جنسیتی با اعتقاد به مذهب سنتی ارتباط دارد. علاوه بر این، همبستگی آماری بین مذهبی بودن و جنسیت ( $r = .38, p < .01$ ) نشان می‌دهد که شرکت کنندگان مرد در مقایسه با زنان، نمرات بالاتری در اندازه‌گیری مذهبی بودن بدست آوردند. با این حال به نظر می‌رسد این همبستگی با همبستگی مثبت یافته شده بین مذهبی بودن و انگیزه پیشرفت حرفه‌ای در تضاد باشد. بر طبق فرضیه سوم، در این جا انتظار یک همبستگی منفی می‌رفت. این ناسازگاری را می‌توان تا حدودی منتج از پیچیدگی فعلی نقش در حال تحول اسلام در تاثیر آن بر جهت یابی حرفه‌ای یا پیشرفت زنان و مردان در ایران دانست. به علاوه، ارتباط فی مابین مشاهده شده بین عوامل پیش بینی کننده (جدول شماره ۱) نیز تحلیل و تفسیر را پیچیده‌تر می‌کند و احتیاط بیشتری را برای تجزیه و تحلیل نتایج متناقض می‌طلبد.

۵. یافته‌های حاکی از وجود یک همبستگی معنی دار بین "منابع موجود در جامعه" و "انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی" (جدول شماره ۱) و نیز نتایج تحلیل تفکیکی (نمودارهای شماره ۱ و ۲) همگی فرضیه پنجم را تایید کردند. هرچند باید تکرار کرد که هیچ یک از متغیرهای پیش بینی کننده نتوانست همبستگی معنی داری را با دیگر متغیرمعیار- یعنی انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک- منجر شود. در عوض، "علاقه به ارتباط با جنس مخالف" یا "انگیزه ازدواج" همبستگی معنی داری را با متغیرهای پیش بینی کننده (جدول شماره ۱) نشان داد و یا ترکیب متغیرهای پیش بینی کننده، برای بعضی از واریانسها توضیح دهنده بودند (جدول شماره ۳).

### جمع بندی از نتایج

تاثیرات و نفوذ شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای گروهی از دانش آموزان دختر و پسر سال آخر دبیرستان های تهران در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) با استفاده از تکنیک‌های آماری چند سطحی و روش تحلیلی کلان مورد بررسی واقع شد.

یکی از نتایج مهم و جالب این پژوهش این است که ابزارهای سنجشگر



و نشانه‌های تصویری تدوین شده در آمریکا که توسط استادان این حوزه‌ی پژوهشی به کار می‌رود، نتوانست در میان این دسته از نوجوانان ایرانی همان تم‌های معمول و مورد انتظار در میان نوجوانان آمریکایی را در زمینه "انگیزش پیشرفت علمی" استخراج کند. در عوض، نتایج این پژوهش در ایران آشکار ساخت که مشغولیت ذهنی غالب در میان نوجوانان، به خصوص گروه طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین تر، نه اشتیاق به نائلیت علمی و دانشگاهی، بلکه علاقه و نگرانی در زمینه ارتباط با جنس مخالف (برای پسران) و ازدواج مطلوب (برای دختران) بود. تفاوت‌های فرهنگی با آمریکا به عنوان یکی از علتهای شناسایی شد. استفاده از آزمایش‌ها با ابزارهای سنجشگر چندگانه و تعریف مشخص‌تر از انواع "پیشرفت" برای پژوهش‌های میان-فرهنگی و فرا-فرهنگی برای مطالعات بعدی توصیه شده است.

البته بخش بزرگی از یافته‌های این پژوهش با یافته‌ها روی شرکت کنندگان آمریکایی همسان و سازگار بود. برای مثال وجود تبعیض جنسیتی در جامعه از یک سو و وجود منابع و عوامل حمایتی اقتصادی، اجتماعی و قانونی، از سوی دیگر، در هر دو جامعه آمریکا و ایران نقش مهمی در پیش بینی انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی ایفا کردند. در هر دو جامعه، افراد طبقه متوسط، سطح بالاتری از انگیزه پیشرفت علمی /حرفه‌ای را در مقایسه با طبقه پایین تر نشان داده اند.

اگرچه زنان ایرانی به عنوان یک گروه نسبت به مردان امتیاز کمتری در انگیزش حرفه‌ای/شغلی کسب کردند، اما زنان طبقه بالاتر، هم در انگیزه پیشرفت علمی و هم پیشرفت حرفه‌ای نمرات بالاتری از مردان به دست آوردند. زنان این طبقه همچنین برداشت و آشنایی بالاتری از منابع موجود در جامعه، و پایین‌ترین درجه از اعتقادات و نگرش‌های تبعیض جنسیتی را داشتند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای این نمونه، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، منابع موجود در جامعه، تبعیض‌های اجتماعی و میزان ارزش‌گذاری به ازدواج از مهمترین عوامل در پیش بینی میزان انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای زنان ایرانی است.

از این مطالعه و دیگر مطالعات مشابه (Farmer, 1976; Salili, 1979;) Sedghi, 1976) میتوان چنین نتیجه گرفت که در معرض آگاهی قرار دادن زنان با ارزشهای غیر سنتی و نقشها و الگوهای کلیدی (Lockheed, 1975) از طریق تغییرات اساسی در عرصه تحصیلات، رسانه‌ها، قوانین و غیره می‌توان تاثیر قدرتمندی در کاهش تبعیض‌های جامعه و در نتیجه افزایش سطح انگیزش پیشرفت علمی/حرفه‌ای به جا گذاشت. نتایج همچنین نشان دهنده ضرورت پیشرفت شرایط مرتبط مانند منابع جامعه (برای مثال مراکز مراقبت از کودک، موقعیتهای شغلی بیشتر) هستند. مهتر آنکه، اگر انتظار توسعه در جهت رشد و پیشرفت علمی، حرفه‌ای و شغلی زنان را داریم، تغییرات واقعی بنیادی به سمت ارتقای شرایط عمومی اقتصادی-اجتماعی به ویژه برای اکثریت زنان ایرانی ضروری است.

## REFERENCES

- Alper, T. Achievement motivation in women: Now-you-see-it-now-you-don't. *American Psychologist*, 1974, 29, 194-203.
- Astin, H. *The woman doctorate in America*. New York: Russell Sage, 1973.
- Atkinson, J. W. *Motives in fantasy, action and society: A method of assessment and study*. Princeton: Van Nostrand, 1958.
- Atkinson, J. W., & Raynor, O. *Motivation and achievement*. Washington, D.C.: Winston, 1974.
- Bern, S. The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 1974, 42, 155-162.
- Birk, J., Cooper, J., & Tanney, N. Racial and sex role stereotyping in career information illustration. Paper presented at the annual meeting of the American Psychological Association, Montreal, August 1973.
- Blitz, R. Women in the professions, 1890-1970. *Monthly Labor Review*, 1974, 97, 34-39. Brislin, R., Lonner, W., & Thorndike, R. *Cross-cultural research methods*. New York: Wiley, 1973.



- Brislin, R., Lonner, W., & Thorndike, R. Cross-cultural research methods. New York: Wiley, 1973.
- Callaway, H. The analysis of an educational setting: An anthropological approach. Paper presented at an international seminar sponsored by the Women's Organization of Iran, Tehran, August 1975.
- Campbell, D. P. SVIB-SCI1 manual Stanford: Stanford University Press, 1974.
- Crandall, V. C., & Battle, E. S. The antecedents and adult correlates of academic and intellectual achievement efforts. In J. P. Hill (Ed.), Minnesota symposia on child psychology (Vol. 4). Minneapolis: University of Minnesota Press, 1970.
- Farmer, H. What inhibits achievement and career motivation in women. *Counseling Psychologist*, 1976, 6(2), 12-15.
- Farmer, H., & Bohn, M. Home-career conflict reduction and the level of career interest in women. *Journal of Counseling Psychology*, 1970, 11, 228-232.
- Fuchs, V. Women's earnings: Recent trends and long-run prospects. *Monthly Labor Review*, 1974, 97, 23-25. Fyans, L. J., Jr. A new multiple level approach to cross-cultural psychological research. Unpublished doctoral dissertation, University of Illinois, Urbana-Champaign, 1977.
- Harmon, L. Career counseling for women. In D. Carter & E. Rawlings (Eds.), *Psychotherapy for women: Treatment toward equality*. Springfield, Ill.: Charles C Thomas, 1975. Holland, J. *Making vocational choices: A theory of careers*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, 1973.
- Horner, M. Sex differences in achievement motivation and performance in competitive and non-competitive situations. Doctoral dissertation, University of Michigan, Ann Arbor, 1968. University Microfilms No. 69-112, 135)
- Horner, M. The measurement and behavioral implications of fear of success in women. In J. Atkinson & J. Raynor (Eds.), *Motivation and achievement*. New York: Wiley, 1974.
- Lipman-Blumen, J. How ideology shapes women's lives. *Scientific American*, 1972, 226, 34-42.
- Lockheed, M. Female motive to avoid success: A psychological barrier or a response to deviancy? *Sex Roles*, 1975, 1, 41-50.
- Maehr, M. *Sociocultural origins of achievement*. Monterey, Calif.: Brooks-Cole, 1974.
- McClelland, D. C. *The achieving society*. New York: Free Press, 1967.
- Moss, H., & Kagan, J. Stability of achievement and recognition seeking behaviors from early childhood through adulthood. *Journal of Abnormal and Societal Psychology*, 1961, 62, 504-513.
- Parrish, J. Women in professional training. *Monthly Labor Review*, 1974, 97, 41-43. Plan Organization. *Degargonihaye ejtemaii-eghtesadi zanan Iran. Socioeconomic changes of Iranian women*. Tehran: Author, 1973.





- Robinson, J. P., & Shaver, P. R. Measure of social psychological attitudes. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1973.
- Roe, A. The psychology of occupations. New York: Wiley, 1959.
- Rubovits, P. C. Early experience and the achieving orientations of American middle-class girls. In M. L. Maehr and W. M. Stalling (Eds.), Culture, child and school. Monterey, California: Brooks-Cole, 1975.
- Salami, P. Hughugh e'zane' Irani dar seyre' tarikh. The rights of Iranian women in history. In Naghshe zan dar farhang va tamadon e Iran. The role of women in the culture and civilization of Iran. Tehran: Women's Organization, 1972.
- Salili, F. The development of achievement of moral judgment in Iranian children. Unpublished doctoral dissertation, University of Illinois, Urbana-Champaign, 1976.
- Salili, F. Determinants of achievement motivation for women in developing countries. Journal of Vocational Behavior, 1979, 14, 297-305.
- Sedghi, H. Women in Iran. In L. E. Iglitzin & R. Ross (Eds.), Studies in comparative politics. No. 6. Santa Barbara: Clio Books, 1976. 484
- Tohidi Sweet, J. Women in the labor force. New York: Harcourt, 1974.
- Tatsuoka, M. Discriminant analysis: The study of group differences. Institute for Personality and Ability Testing, 1970.
- Tyler, L. The antecedents of two varieties of interest patterns. Genetic Psychological Monograph, 1964, 70, 177-227.
- U.S. Department of Labor. Handbook on women workers. Washington D.C.: Women's Bureau, 1974.
- Weiner, B. Achievement motivation and attribution theory. New Jersey: General Learning Press, 1974.
- Werner, O., & Campbell, D. In R. Noroll & R. Cohn (Eds.), A handbook of methods in cultural anthropology. New York: American Museum of Natural History, 1970.

